

روسیه خود را باز می یابد

## سنگربندی های جدید

### در روسیه و اروپا

دنیز یالچین: هفته نامه "آیدینلیق" ترکیه

۱۸ مارس ۲۰۰۷

روسیه دکترین نظامی خود را تغییر می دهد. این دکترین در سال ۱۹۹۳ تدوین شده و در سال ۲۰۰۰ با روی کار آمدن پوتین تغییرات اندکی در آن داده شده بود. توضیحاتی که از طرف شورای امنیت ملی روسیه در این زمینه داده شده حاکی از آن است که کوشش در این زمینه به مراحل نهائی رسیده است.

در دکترین نظامی جدید، تروریسم جهانی که تهدید عمده در دکترین قبل بشمار می رفت تغییر یافته و آمریکا و ناتو به عنوان منشاء اصلی تهدید تائید شده است.

در تدوین دکترین نظامی جدید، قدرت گیری افراطی ناتو و سیر توسعه و محاصره سیستماتیک روسیه، تهدید عمده علیه این کشور در نظر گرفته شده است. رئیس ستاد ارتش روسیه "یوری بالویوسکی" در ماه فوریه اعلام داشت: "افزایش بی وقفه حضور سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا در مناطق سنتی تحت نفوذ روسیه، تبدیل به مهم ترین مشکل امنیت ملی شده است. امروز روسیه بسیار بیش از دوران جنگ سرد با تهدیدات نظامی روبروست، لذا ما احتیاج به دکترین نظامی جدید داریم".

شورای امنیت روسیه می گوید که دکترین نظامی جدید بعنوان یک لایحه دولتی باید قبل از اجرا توسط پوتین تائید شود، اما سه تحول مهم نشان میدهد که این دکترین عملاً به مرحله اجرا درآمده است. مهم ترین نشانه امر سخنرانی پوتین در کنفرانس امنیت بین المللی در شهر مونیخ آلمان در ۱۳ فوریه بود. او در این سخنرانی آمریکا را مهم ترین مانع امنیت بین المللی خواند و از آمریکا و ناتو بعنوان منشاء عمده تهدید علیه روسیه نام برد. این سخنرانی بیانگر اتخاذ یک دکترین نظامی همه جانبه از طرف روسیه بود.

دومین نشانه، سخنرانی اخیر "سرگئی ایوانف" وزیر دفاع روسیه در دوما (پارلمان روسیه) بود. او نیز در این سخنرانی گفت: در ۱۰ سال آینده ارتش روسیه در حدی که بتواند مدرنیزاسیون خود را عملی کند تقویت خواهد شد و براین اساس در سال ۲۰۰۷ بودجه اختصاص داده شده برای دفاع به ۳۱,۶ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. این مقدار نسبت به بودجه روسیه در سال ۲۰۰۲ چهار برابر افزایش را نشان می دهد.

آخرین تحول مهم در این زمینه انتصاب سرگئی ایوانف وزیر دفاع روسیه بعنوان معاون اول نخست وزیر و معاون ستاد ارتش با اختیارات همه جانبه بود. بویژه اگر در نظر بگیریم که او برنامه همه جانبه ای برای مدرنیزاسیون ارتش روسیه اعلام کرده است.

ایوانف از زمانی که پوتین به مقام ریاست جمهوری روسیه رسید از افراد نزدیک در گروه پوتین بوده است. با این انتصاب ایوانف عملاً مسئولیت نظارت بر صنایع نظامی و پیشرفته ترین صنایع غیرنظامی وابسته به آن را نیز بدست آورده است.

علاوه بر واحد های صنعتی- نظامی، حمل و نقل، تحقیقات فضائی، هسته ای، ارگان های دولتی مسئول در زمینه تحقیقات علمی و تکنولوژیک نیز در حیطه اختیارات ایوانف قرار دارند. اینکه اختیارات وسیع وزیر دفاع روسیه از نقطه نظر دکترین نظامی جدید روسیه به چه معنی است را می توان از سخنان رئیس ستاد ارتش روسیه دریافت: "دکترین نظامی جدید روسیه، هماهنگ کردن کلیه واحدهای دفاع ملی است. مطابق دکترین جدید، موسسات دولتی و غیر دولتی برای حل مشکل امنیت نظامی با همدیگر همکاری خواهند کرد."

از اظهارت بالیووسکی چنین برمی آید که انتصاب ایوانف و وسعت حدود اختیارات وی تصمیمی است در چارچوب دکترین نظامی جدید. تحولات جدید، این نظر را تقویت می کند که اطرافیان مخالف آتلانتیک پوتین یعنی گروه "سیلویک" در تدارک آوردن "ایوانف" به مقام ریاست دولت هستند.

روسیه برای مقابله با تهدیدات دوران جدید زیرساخت های ضروری برای اقتدار خود را در راستای دکترین جدید سرعت می بخشد.

در پشت دکترین نظامی جدید روسیه که در رده بندی تهدید، آمریکا و ناتو را در ردیف اول قرار داده است کدام تحولات تاثیر داشته اند؟ در این ارتباط اولین تحول مهم توسعه گام به گام دامنه ناتو برای محاصره روسیه قرار دارد. دومین تحول اعلام طرح آمریکا برای برپائی سیستم دفاع موشکی و پایگاه های رادار در لهستان و جمهوری چک است. روسیه به این نتیجه رسیده است که آمریکا در طرح ایجاد سیستم دفاع موشکی، این کشور را هدف قرار داده است.

آمریکا مدعی است که هدف از طرح برپائی سیستم دفاع موشکی و پایگاه های رادار در لهستان و جمهوری چک تقویت سیستم دفاعی خود در مقابل احتمال حمله اتمی ایران و کره شمالی است، در حالیکه مقامات روسیه معتقدند که امکان پرتاب موشک هائی با آن بُرد طولانی از طرف ایران و کره امکان ناپذیر است، لذا هدف اصلی سیستم موشکی روسیه است.

لهستان و جمهوری چک با پیشنهاد آمریکا موافقت دارند. آمریکا روی این دو دولت که عضو جدید ناتو شده و در اتحادیه اروپا نقش اسب تروای آمریکا را بازی می کنند و نیز روی سیاست دشمنی سنتی آنها با روسیه تکیه می کند. از طرف دیگر آمریکا برای برپائی سیستم مشابهی در آذربایجان، گرجستان و ارمنستان بدنبال معامله است.

تحول مهم دیگر در این زمینه در انگلستان - بعنوان یک نیروی طرفدار آتلانتیک در اتحادیه اروپا - رخ داد. در ۱۴ مارس علیرغم رای منفی ۹۰ نماینده حزب کارگر به "قانون اختیار مدرنیزاسیون اتمی"، این لایحه با حمایت محافظه کاران در مجلس به تصویب برساند. مبتکر این لایحه تونی بلر بود. طبق این قانون، در چارچوب طرح آمریکا برای طولانی کردن عمر سیستم موشک های دوربرد با کلاهک اتمی "تریدنت د-۵" آمریکائی، تا سال ۲۰۴۰، انگلستان زیر دریائی های جدیدی برای حمل این موشک ها خواهد ساخت.

هدف آمریکا از سیستم دفاع موشکی، با به حرکت درآوردن طرفداران آتلانتیک در درون اتحادیه اروپا، از یک طرف محاصره روسیه و از طرف دیگر عمیق کردن شکاف های درون اتحادیه اروپاست. در سایه این مباحثات، هدف آسیب رساندن به روابط محور آلمان-فرانسه با روسیه نیز هست. بنابراین طرح سپر موشکی آمریکا امکان انشعاب براساس "محور شدن آتلانتیک" در درون اتحادیه اروپا را آشکار می کند.

طرفداران جناح آتلانتیک اتحادیه اروپا مانند دانمارک، انگلستان، جمهوری چک و لهستان از پروژه سپر موشکی آمریکا حمایت و کشورهایمانند آلمان، فرانسه، اتریش و لوکزامبورگ شدیداً علیه این پروژه هستند. در این مورد اظهارات وزیر خارجه لوکزامبورگ "ژان اسلورن" خواندنی است: "اگر روسیه را تحت فشار گذاشته و منفرد کنیم امکان ثبات اروپا از بین خواهد رفت، ما باید کمک کنیم تا لهستان و جمهوری چک در محور اروپا باقی بمانند".

به گذشته بازگردیم. رئیس جمهور فرانسه "شیراک" و نخست وزیر آلمان "مرکل" با پروژه سپر موشکی مخالف بودند تا بلکه از شکاف در محور روسیه و آلمان-فرانسه جلوگیری کنند.

شیراک در همان زمان گفت که طرح آمریکا می تواند اروپا را به دو کمپ تقسیم و جنگ سرد جدیدی را موجب شود. آمریکا باید نگرانی های روسیه در مورد پروژه سپر موشکی آمریکا را بدقت مد نظر داشته باشد.

اظهارات مشابهی که در این زمینه از طرف وزیر دفاع روسیه در ماه فوریه انجام شد قابل دقت بود. وزیر دفاع روسیه ایوانف اظهار داشت که طرح برپائی سیستم دفاع موشکی و پایگاه های رادار آمریکا در لهستان و جمهوری چک دیوار برلین جدیدی را ایجاد خواهد کرد و این سبب تقسیم دوباره اروپا خواهد شد.

نخست وزیر آلمان مرکل نیز در مخالفت با اقدامات آمریکا گفت: "چنین تصمیماتی براساس مناسبات دو طرفه آمریکا نمی تواند اتخاذ شود، موضوع باید در چارچوب روابط با روسیه، ناتو و اتحادیه اروپا مورد ارزیابی قرار گیرد.

نخست وزیر سابق آلمان نیز اظهار داشت که هدف اصلی طرح برپائی سیستم دفاع موشکی محاصره روسیه است. شرودر تاکید کرد که طرح آمریکا در زمان تقویت روابط اروپا و روسیه بمیان آمده است، لذا آنچه که ما در این زمینه باید انجام دهیم نقطه مقابل آن چیزی است که آمریکا قصد انجام آنرا دارد".

هلموت اشمیت از نخست وزیران سابق آلمان نیز در این زمینه نظر مشابهی دارد. کلیه این تحولات نشان می دهد که تضاد های آمریکا و اروپا که بر محور موضع گیری در مقابل روسیه عمیق تر شده دارای اهمیت بسیار است. سیستم دفاع موشکی آمریکا و شکاف و جدائی ناشی از آن، صف بندی آلمان- فرانسه - روسیه را در مقابل آمریکا قابل رؤیت تر کرده است.

راه توده ۱۶۶ ۱۱,۰۲,۲۰۰۸